

The Effect of Political Factors on Productivity Components in Selected Developing Countries (Relying on Governmental Institutions)

Laleh TabaghchiAkbari *

Tahereh AkhundzadehYousefi****¹ Ghasem Sameei*** Mahmoud Babazadeh**

Abstract

In recent years, the determinants of productivity have gone beyond the mentioned items in growth theories, and the role of political factors in this base has attracted the attention of researchers. In fact, the role and position of political factors in promoting productivity is a reality that cannot be indifferent, and inattention in this regard can cause irreparable damage on productivity component trends. This paper analyzed the effect of political factors indicators (voice and accountability, political stability and absence of violence, government effectiveness, regulatory quality, rule of law and control of corruption) on productivity components (total factor productivity, labor productivity, and capital productivity) at 15 selected developing countries during 2006 to 2017 with using of panel data econometrics based on dynamic ordinary least squares (DOLS) approach. The variables of foreign direct investment, research and development, degree of economics openness and banking credits were also included as control variables at models. The results indicate that all indicators of political factors have had a positive effect on productivity components. In relation to control variables, we see positive relationships. Therefore, according to the results, it can be acknowledged that, the significant part of productivity growth depends on political factors. Therefore, it seems necessary that the governments of developing societies, while accurately recognizing political structures should pay special attention to the role of components at political factors and establish more political stability, so that they can provide opportunities to improve productivity components as much as possible.

Keywords: Political Factors, Governmental Institutions, Productivity.

Article Type: Research Article.

Citation: TabaghchiAkbari, Laleh; Babazadeh, Mahmoud; Sameei, Ghasem & AkhundzadehYousefi, Tahereh (2021). The Effect of Political Factors on Productivity Components in Selected Developing Countries (Relying on Governmental Institutions), 4(1), 307-346.

* Ph.D. Candidate, Department of Economics, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

** Assistant Prof., Department of Economics, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran. (Corresponding Author)

**** Assistant Prof, Department of Economics, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

**** Assistant Prof., Department of Economics, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.



تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب در حال توسعه (با تکیه بر نهادهای حاکمیتی)

لاله طبیحی اکبری*

محمود بابازاده**، قاسم سامعی***، طاهره آخوندزاده یوسفی****

چکیده

عوامل تعیین‌کننده بهره‌وری در سال‌های اخیر، از موارد مطرح‌شده در نظریه‌های رشد فراتر رفته و نقش عوامل سیاسی نیز در این زمینه مورد توجه محققان قرار گرفته است. در واقع نقش و جایگاه عوامل سیاسی در ارتقای بهره‌وری، واقعیتی است که نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود و بی‌توجهی در این زمینه می‌تواند لطمه‌های جبران‌ناپذیری را بر روند مؤلفه‌های بهره‌وری وارد کند. در این مقاله به بررسی تأثیر شاخص‌های عوامل سیاسی شامل: حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد بر مؤلفه‌های بهره‌وری شامل: بهره‌وری کل تولید، بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری سرمایه در پانزده کشور منتخب در حال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی پانل دیتا با رویکرد حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) پرداخته شده است. متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تحقیق و توسعه، درجه بازبودن اقتصاد و تسهیلات بانکی نیز به عنوان متغیرهای کنترل در مدل‌ها وارد شده‌اند. نتایج برآوردها حاکی از آن است که تمامی شاخص‌های عوامل سیاسی، تأثیر مثبتی بر مؤلفه‌های بهره‌وری داشتند. در ارتباط با متغیرهای کنترل نیز شاهد روابط مثبتی هستیم؛ لذا با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان اذعان داشت که بخش چشمگیری از رشد بهره‌وری، منوط به عوامل سیاسی است؛ بنابراین ضروری به نظر می‌رسد که دولت‌های جوامع در حال توسعه، ضمن شناخت دقیق ساختارهای سیاسی، باید توجه ویژه‌ای به نقش مؤلفه‌های عوامل سیاسی و برقراری ثبات سیاسی بیشتر داشته باشند تا از این طریق بتوانند زمینه‌های ارتقای هرچه بیشتر مؤلفه‌های بهره‌وری را فراهم سازند.

کلیدواژه‌ها: عوامل سیاسی، نهادهای حاکمیتی، بهره‌وری.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

** استادیار، گروه اقتصاد، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)

(m.babazadeh@iaurmia.ac.ir)

*** استادیار، گروه اقتصاد، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

**** استادیار، گروه اقتصاد، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۱۴۰۰، دوره چهارم، شماره اول، ۳۰۷-۳۶۶.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۲

ناشر: دانشگاه رازی

© نویسندگان



مقدمه

امروزه در تحولات اقتصادی به دوره‌ای قدم نهاده‌ایم که مؤلفه‌های سنتی قدرت اقتصادی؛ یعنی زمین، ماشین‌آلات و نیروی کار، به تنهایی عوامل تعیین‌کننده عملکرد اقتصادی کشورها نیستند. در واقع موفقیت کشورها به صلاحیت‌های علمی همانند دانش فنی، خلاقیت کارکنان، به‌کارگیری شیوه‌های نوین علمی در مدیریت و توان نوآوری بستگی دارد، که تمامی این عوامل در مؤلفه‌های بهره‌وری نمایان می‌گردند. درحقیقت طی چند دهه اخیر، اهمیت مبحث بهره‌وری در جایگاه یکی از اصول برتری رقابت در عرصه‌های بین‌المللی شناخته شده است، تا جایی که دستیابی و اشاعه بهره‌وری در تمام سطوح جامعه، به‌مثابه یکی از ضرورت‌های توسعه اقتصادی مطرح شده است (تقوی، ۱۳۹۴: ۵).

عوامل بسیاری می‌توانند بر این عامل بسیار مهم اقتصادی تأثیرگذار باشند که در این بین، نقش عوامل سیاسی می‌تواند حائز اهمیت فراوانی باشد. عوامل سیاسی کارا به‌دلیل ایجاد زیرساخت‌های نهادی مناسب، می‌توانند بخش چشمگیری از تفاوت سطح رشد و توسعه در بین کشورها را توضیح دهند و بدون شک این تغییرات بر رشد مؤلفه‌های تولیدی و درنهایت بر عملکرد بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصادی تأثیرگذار خواهد بود، به‌گونه‌ای که نهادهای مالی بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول (International Monetary Fund) و بانک جهانی (World Bank) از عوامل فوق، به‌مثابه یک ضرورت حیاتی برای تحقق اهداف توسعه بهره‌وری یاد می‌کنند. در واقع امروزه، نهادهای سیاسی، محرک اصلی محیط اقتصادی کشورها هستند و عامل اصلی عقب‌ماندگی برخی کشورها نیز صرفاً به‌دلیل کمبود سرمایه نیست، بلکه علت اصلی، نبود بسترهای مناسب نهادهای سیاسی، برای فعالیت‌های مولد اقتصادی است (Bayyurt, Vildan Serin & Eban Arıkan, 2015: 16).

براین اساس در پژوهش حاضر، به بررسی تأثیر شاخص‌های عوامل سیاسی (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر مؤلفه‌های بهره‌وری (بهره‌وری کل عوامل تولید، بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری سرمایه) در پانزده کشور منتخب درحال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ با

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبیچی اکبری و همکاران) ۳۰۹

استفاده از تکنیک اقتصادسنجی پانل دیتا (Panel Data) با رویکرد حداقل مربعات معمولی پویا (Dynamic Ordinary Least Squares) پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تحقیق و توسعه، درجه بازبودن اقتصاد و تسهیلات بانکی نیز به عنوان متغیرهای کنترل در مدل‌ها وارد می‌شوند؛ لذا فرضیه‌های پژوهش حاضر نیز به شرح زیر گزارش می‌شوند:

۱. حق اعتراض و پاسخگویی، بر بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال توسعه تأثیر دارد.
۲. ثبات سیاسی بدون خشونت، بر بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال توسعه تأثیر دارد.
۳. اثربخشی دولت، بر بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال توسعه تأثیر دارد.
۴. کیفیت مقررات، بر بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال توسعه تأثیر دارد.
۵. حاکمیت قانون، بر بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال توسعه تأثیر دارد.
۶. کنترل فساد، بر بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال توسعه تأثیر دارد.
۷. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بر بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال توسعه تأثیر دارد.
۸. تحقیق و توسعه، بر بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال توسعه تأثیر دارد.
۹. درجه بازبودن اقتصاد، بر بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال توسعه تأثیر دارد.
۱۰. تسهیلات بانکی، بر بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال توسعه تأثیر دارد.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

بهره‌وری، جایگاه و اهمیتش در مباحث کلان

بهره‌وری از مبانی علوم اقتصاد و مدیریت است که مقدار کالا و یا خدمات نهایی تولیدشده با توجه به انرژی و یا کار صرف‌شده را بدون کاهش یافتن کیفیت نشان می‌دهد و مبین اثربخشی و کارایی است؛ به بیانی دیگر، بهره‌وری عبارت است از ایجاد بیشینه سود ممکن،

با به کارگیری موثر عواملی همانند نیروی کار، توان، استعداد، مهارت و تخصص، زمین، ماشین، پول، تجهیزات، زمان و مکان در جهت افزایش رفاه جامعه (Neupane, 2013: 223).

چنین گفته شده که امروزه رقابت در عرصه تولید و تجارت جهانی به واسطه کم‌رنگ شدن مرزهای اقتصادی، ابعاد دیگری یافته و تلاش در جهت بهبود و ارتقای بهره‌وری، پایه اصلی این رقابت را تشکیل می‌دهد. اگرچه بهبود و ارتقای بهره‌وری براساس اصل عقلانیت اقتصادی همواره می‌باید مورد تأکید و توجه قرار گیرد، ولی بهبود بهره‌وری نیازمند به‌فعل درآوردن توان بالقوه است؛ از این رو این حرکت به یک ابزار محرک نیاز دارد که مناسب‌ترین محرک، در بازارهای داخلی و بازارهای خارجی است. ارتقای بهره‌وری سبب پیشرفت و توسعه‌یافتگی می‌گردد و بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه به‌منظور اشاعه نگرش به مقوله بهره‌وری و تعمیم به کارگیری فنون و روش‌های ارتقای آن، سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام داده‌اند.

بررسی عملکرد کشورهایی که طی چند دهه اخیر رشد اقتصادی چشمگیری داشته‌اند، حاکی از آن است که بیشتر این کشورها بخش بزرگی از رشدشان را از طریق افزایش بهره‌وری به دست آورده‌اند؛ به همین دلیل در بیشتر کشورهای درحال توسعه نیز همانند کشورهای توسعه‌یافته، اهمیت ارتقای بهره‌وری یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه مطرح می‌گردد (Larrain & Stumpner, 2017: 3). امروزه برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی مستمر و پایدار، باید به نقش بهره‌وری نهادها توجه ویژه‌ای داشت، به گونه‌ای که طی دهه‌های اخیر، توجه به اهمیت و جایگاه روزافزون این عامل بسیار مهم و عوامل موثر بر آن، به یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین مباحث اقتصادی تبدیل شده است؛ زیرا رشد بهره‌وری، موجب کاهش هزینه‌های تولید و افزایش قدرت رقابت تولیدکننده‌ها در بازار شده و به سودآوری هرچه بیشتر محصولات تولیدی کمک شایانی می‌کند (Adeusi & Aluko, 2015:120).

شناسایی علل تغییرات بهره‌وری نیز از اهمیت وافری برخوردار است؛ زیرا از این طریق می‌توان روند مؤلفه‌های بهره‌وری را در جهت دلخواه تغییر داد. در بین عوامل موثر بر بهره‌وری، نقش عوامل سیاسی می‌تواند حائز اهمیت فراوانی باشد.

عوامل سیاسی

کافمن، کرای و مسترازی (Kaufmann, Kraay & Mastruzzi) در بانک جهانی (World Bank) عمده شاخص‌های سیاسی که به نهادهای حاکمیتی مربوط هستند را بیان کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در شش متغیر حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد به شرح زیر بیان کرد:

۱. حق اعتراض و پاسخگویی

از منظر بانک جهانی، این شاخص نمایانگر مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی، فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و ... است که عمدتاً با عنوان شاخص دموکراسی مطرح می‌گردند (World Bank, 2020). براساس این شاخص، هرچه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیأت حاکم داشته باشند، هرچقدر حضور و نقش احزاب، تشکل‌ها، انجمن‌ها و نظایر آن‌ها در جامعه بیشتر باشد و هرچقدر رسانه‌های جمعی، استقلال بیشتری داشته باشند و افرادی که زمامدار امور جامعه هستند هرچه بیشتر پاسخگویی اعمال خود باشند و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را اعلام کنند، این امر نشان‌دهنده وضعیت بهتر عملکرد عوامل سیاسی است.

۲. ثبات سیاسی بدون خشونت

ثبات سیاسی بدون خشونت مبین احتمال سرنگونی یک حکومت و نظام سیاسی از طریق غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز است. بحث عمده این شاخص بر روی تروریسم و خشونت است. براساس این شاخص، هرچه احتمال نبود ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد، نشان‌دهنده عملکرد ضعیف عوامل سیاسی است و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه عوامل سیاسی، امتیاز بالاتری را کسب می‌کند (پاداش‌زیوه و خداپناه، ۱۳۹۴: ۱۶۸). از منظر بانک جهانی نیز این شاخص گویای مفاهیمی همانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور، اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا است.

۳. اثربخشی دولت

از منظر بانک جهانی، کارایی یا اثربخشی یک دولت منوط به سیاست‌گذاری و اجرای آن برای حمایت از نظام بازار است. همچنین این شاخص به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیمات مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی همانند پاسخگویی و شفافیت اشاره دارد. این شاخص کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را نیز توضیح می‌دهد.

۴. کیفیت مقررات

از منظر بانک جهانی، این شاخص گویای مفاهیمی همچون مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و دسترسی به بازارهاست که با نام کیفیت بوروکراسی نیز مطرح می‌گردد (World Bank, 2020). به‌بیانی دیگر منظور از این شاخص، توان دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی است که سبب گسترش حضور و فعالیت‌های بخش خصوصی می‌گردد. حضور هرچه بیشتر بخش خصوصی در اثر اجرای سیاست‌های تدوین شده از سوی دولت، نشانه‌ای از عملکرد بهتر عوامل سیاسی در جامعه است (پاداش‌زیوه و خدایانه، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

۵. حاکمیت قانون

اینکه تا چه حد قوانین سیاسی در یک جامعه واقعی هستند و می‌توان به اجرای آن‌ها تکیه کرد، با این شاخص ارزیابی می‌گردد. از منظر بانک جهانی، این شاخص گویای مفاهیمی همچون اعتماد مردم به قوانین، پیش‌بینی‌پذیری دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان‌یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت همانند مؤلفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون است.

۶. کنترل فساد

از منظر بانک جهانی، این شاخص مفاهیمی همانند فساد در میان مقامات رسمی یا همان سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی، اثربخشی تدابیر ضدفساد، تأثیر آن بر

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبیچی اکبری و همکاران) ۳۱۳

جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و ... را سنجش می‌کند. لازم به ذکر است که این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را پوشش می‌دهد (World Bank, 2020).

چگونگی تأثیرگذاری عوامل سیاسی بر بهره‌وری

تأثیر عوامل سیاسی بر بهره‌وری از مجاری مختلفی انجام می‌گیرد و در بیشتر موارد، این عوامل سبب تلاطم در شاخص‌های بهره‌وری می‌گردند؛ به‌بیانی دیگر، بهره‌وری به این عوامل سیاسی واکنش نشان می‌دهد. در واقع، جهت‌گیری اقتصاد به‌سوی ایجاد اصلاحات در ساختار نهادها، می‌تواند به ترغیب سرمایه‌گذاری منجر شود و از این طریق، پویایی اقتصادی و رشد پایدار را در پی داشته باشد.

استیگلیتز (Stiglitz) بر این اعتقاد است که تعامل موثر بین نهادهای سیاسی می‌تواند همواره راهگشای بهبود عملکرد اصلاحات اقتصادی باشد. نهادهای سیاسی کارآمد، محیط مناسبی را برای تنظیم روابط اقتصادی به‌طریقی کم‌هزینه، ساده و به‌دور از اتلاف وقت مهیا کرده و از این طریق در نقش یاریگر بازار، زمینه‌های رشد بهره‌وری را فراهم می‌سازند (Abdullahi, 2013: 263). هرگونه اصلاحات در زمینه عملکرد شاخص‌های سیاسی و نهادی همانند ارتقای کارایی‌های قوانین و مقررات، برقراری و حاکمیت قانون، فراهم‌شدن امنیت لازم برای فعالیت‌های کارآمد اقتصادی، تضمین حقوق مالکیت، ایجاد ثبات و پایداری اقتصادی و سیاسی، تسهیل مقررات در زمینه تولید و تجارت، توسعه نهادها و زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد فضای سالم، شفاف و رقابتی در اقتصاد و امثال آن، می‌تواند اقداماتی مؤثر در زمینه فراهم کردن بستر مناسب جهت سرمایه‌گذاری تلقی شود. در واقع، بی‌ثباتی و ناامنی اقتصادی و اجتماعی، افزایش فساد در نظام اداری و اجرایی کشور، ناکارآمدی نظام قضایی (طولانی شدن دادرسی، فساد در نظام قضایی، بی‌عدالتی و ...)، وجود تنش‌های داخلی و بین‌المللی، ناکارآمدی قوانین و مقررات، باعث ارتقای هزینه‌های مبادلاتی، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و لذا کاهش انگیزه برای فعالیت‌های کارآمد اقتصادی شده که عواقب آن در

بازار و بنگاه‌های تولیدی نیز جلوه‌گر خواهد شد، به گونه‌ای که در بلندمدت رکود شدید و گسترده‌ای بر چنین بازاری سایه می‌افکند و مانع بزرگی را در جهت توسعه رضایت‌بخش و مطلوب این بازار ایجاد خواهد شد (Tavares, 2009: 66).

قواعد سیاسی و نهادی از طریق کاهش نااطمینانی مبادله‌ها، مخارج مبادلاتی را کاهش داده و انگیزه فعالیت و بهره‌وری را افزایش می‌دهد. در این چارچوب نظری، نهادهای کارا (مانند شفافیت در تصمیم‌گیری بخش عمومی و پاسخ‌گویی و مهم‌تر از همه به کارگیری صحیح نهادهای رسمی مانند قوانین و مقررات)، مسیر رفتارهای کم‌هزینه را هموارتر کرده و اثربخشی عوامل تولید و در پی آن، بازدهی فعالیت‌های اقتصادی را ارتقاء می‌دهد. منظور از مسیر رفتارهای کم‌هزینه مواردی همانند مخارج ورود به کسب‌وکار، گفتمان، نظارت، حفاظت و حقوق مالکیت است (Foster, Pöschl & Stehrer, 2012: 4).

جونز (Jones) بیان می‌کند که تفاوت‌ها در بهره‌وری محقق‌شده، ناشی از تفاوت در نهادها و سیاست‌های دولتی است که مجموعه این عوامل با عنوان زیرساخت‌های اجتماعی معرفی می‌شوند. دخالت‌های دولت، قراردادهای ضعیف، موانع سخت تجاری و مقامات فاسد دولتی، مواردی از زیر ساخت‌های اجتماعی بد هستند که می‌توانند روند رشد بهره‌وری را کاهش دهند؛ به بیانی دیگر، برای درک تفاوت‌های تغییرات شاخص‌های اقتصادی از قبیل بهره‌وری، ضروری‌ترین نکته، تعیین چگونگی تأثیر مفاهیمی همانند زیرساخت‌های اجتماعی، وضعیت قراردادهای، نحوه دخالت‌های دولت و شاخص‌های سیاسی و اجتماعی بر بهره‌وری است (نقفی، ۱۳۹۴: ۳۲).

به گفته داگلاس نورث (D. North) نهادها، قوانین بازی در جامعه هستند. نهادها مجموعه انتخاب‌های افراد را معین کرده و آن‌ها را محدود می‌سازند، که این محدودیت‌های ایجادشده می‌توانند همانند هنجارهای اجتماعی، عرف و معیارهای اخلاقی، غیررسمی بوده و یا اینکه مثل قواعد طراحی‌شده انسان‌ها، رسمی باشند (قبادی، مظفری شمسی و فرامرزی، ۱۳۹۸: ۱۵). در واقع مباحث جدید اقتصاد کلان بر نهادگرایی تأکید دارد که از این طریق بتواند الگوی مناسبی را برای فعالیت‌های اقتصادی در داخل یک کشور بنا کند و با طراحی یک ساختار

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبقچی اکبری و همکاران) ۳۱۵

انگیزشی، فعالیت‌های مولد را در جامعه پیش برده و محیطی را ایجاد کند که زمینه فعالیت‌های مولد اقتصادی در آن فراهم گردد (Procházka & Čermáková, 2015: 704).

از منظر نورث، نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌گردند، چه این مبادلات سیاسی باشند، چه اقتصادی، چه اجتماعی و چه فرهنگی. نهادهای خوب در جایگاه ایجادکننده یک ساختار انگیزشی، باعث کاهش ناطمینانی، تشویق کارایی و بهبود عملکرد نهادهای تولیدی می‌شوند (شریف آزاده و حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۲: ۱۸۸). در ادامه این بحث برای بررسی‌های دقیق‌تر موضوع، به نحوه تأثیرگذاری تک‌تک مؤلفه‌های عوامل سیاسی (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد)، بر بهره‌وری پرداخته می‌شود.

نقش مؤلفه‌های سیاسی در بهره‌وری

۱. حق اعتراض و پاسخگویی

دولت دموکراتیک با حمایت از حقوق بشر از طریق افزایش حق اعتراض و پاسخگویی، اجازه مشارکت بیشتری را در توزیع مناسب‌تر امکانات تولیدی فراهم می‌سازد؛ چراکه با تشویق گفتمان آزاد در مورد سیاست‌مداران و سیاست‌ها، هم امکان تداوم نظام حاکم بر جامعه افزایش می‌یابد و از طرفی نیز این امر، زمینه‌های فرار مغزها را کاهش داده و ضمن تقلیل مخارج ریسک سرمایه‌گذاری، زمینه‌های سرمایه‌گذاری بیشتر را از طریق ایجاد انگیزه برای فعالیت‌های مولد اقتصادی فراهم می‌سازد و همین امر نیز، بسترهای مولد را برای تولیدات بیشتر فراهم کرده و لذا زمینه‌های رشد بهره‌وری را مهیا می‌کند. در واقع، حق اعتراض و پاسخگویی با حفظ حقوق مالکیت، مشوق سرمایه‌گذاری بوده و با اجازه دادن به ابراز نظرات و عقاید مردم، سبب کارایی بیشتر در تخصیص منابع می‌شود. همچنین این شاخص با استفاده از ابزارهای نظارتی از بروز فساد و انحراف در دولتمردان جلوگیری کرده و با مشارکت افراد در تعیین سرنوشت خود، انگیزه‌های تولیدی را در جامعه افزایش می‌دهد و طبیعی است که

در چنین حالتی، زمینه برای ارتقای مؤلفه‌های بهره‌وری فراهم گردد (آهنگری و رضائی، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۳).

۲. ثبات سیاسی بدون خشونت

ثبات سیاسی بدون خشونت از طریق سرمایه‌گذاری، می‌تواند بر بهره‌وری اثرگذار باشد و مطابق پیش‌بینی، اثرش مثبت است. طبیعی است با اطمینان سیاسی، ثبات سیاسی نیز فراهم شده و این امر نرخ ترجیحات زمانی را به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز کاهش می‌دهد. در واکنش به این امر، میزان سرمایه‌گذاری‌ها در طرح‌های بلندمدت و با بهره‌وری بالا افزایش می‌یابد. افزون بر این، کارائی تولیدی به‌دست آمده به‌واسطه ثبات سیاسی، مانند عملکرد بهتر جدول زمانی سرمایه‌گذاری، تولیدهای نهایی متناظر داده‌های تولیدی را افزایش خواهد داد؛ لذا نتیجه‌گیری می‌شود که ثبات سیاسی بدون خشونت، از طریق اثر مثبت خود بر روی تولید نهایی سرمایه و نیروی کار، میزان بهره‌وری را افزایش دهد (Cheona, Dowallb & Songc, 2010: 547).

حال اگر در جامعه‌ای، زمینه‌های ایجاد ثبات اقتصادی با خشونت همراه باشد، طبیعی است که در چنین حالتی، امکان تنش‌های نژادی و قومی و درگیری‌های درون یا برون‌مرزی به میزان زیادی محتمل است و همین امر باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران در چنین کشوری، احساس امنیت نکنند و از بیان میزان دارایی‌هایشان و اهداف سرمایه‌گذاریشان امتناع کنند. در چنین حالتی، سرمایه‌گذاران ممکن است سرمایه خود را به کشورهای دیگری منتقل کنند یا اینکه سرمایه خود را در طرح‌های کوچک و کوتاه‌مدت به‌کار اندازند و لذا همین امر می‌تواند موجبات کاهش تولید و بهره‌وری را به‌همراه داشته باشد (Masron, 2013: 44).

۳. اثربخشی دولت

دولت اثربخش و کارا، پاسخگوی نیازهای آحاد ملت، مروج عدالت اجتماعی، متضمن دستیابی به خدمات، کیفیت و سرمایه‌های تولیدی و ایجاد محیطی مناسب برای تولید و بهره‌وری پایدار است (شریف آزاده و حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۲: ۱۸۸). دولت‌های اثربخش به‌واسطه حمایت‌های حسابگرانه، می‌توانند با تضمین حقوق مالکیت، از تولیدکنندگان داخلی

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبقچی اکبری و همکاران) ۳۱۷

حمایت کرده و انگیزه‌های افزایش سرمایه‌گذاری و تولید را فراهم کنند و از این طریق، زمینه‌ساز افزایش بهره‌وری گردند. در واقع واقعیت این است که دستیابی به رشد و بهره‌وری پایدار و باثبات، زمانی محقق می‌شود که نظام اقتصادی از دخالت‌های غیرضروری دولت، محفوظ بماند. البته این به معنای حذف کامل دولت در عرصه اقتصاد نیست، بلکه هدف از اثربخشی دولت، سیاست‌گذاری صحیح دولت است که می‌تواند روند توزیع مجدد درآمد، ثبات اقتصادی و تخصیص منابع و مدیریت نظام تصمیم‌گیری عمومی را بهبود بخشد تا از این طریق، زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و رشد بهره‌وری گردد (ثقفی، ۱۳۹۴: ۲۸).

۴. کیفیت مقررات

دولت با تصویب قوانین مناسب می‌تواند نقش درخوری در بسترسازی لازم برای کارکرد مناسب نظام بازار در اقتصاد داشته باشد. در واقع، جامعه‌ای توسعه‌یافته است که قانون و مقررات در آن، در حد بهینه باشد، نه چنان کم، که منجر به رفتارهای بدون قاعده و پرهزینه گردد و امور جامعه را مختل کند و نه چنان زیاد، که راه را برای انتخاب بهینه افراد ببندد (شریف آزاده و حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۲: ۱۸۸).

قوانین و مقررات اختلال‌زا از قبیل، مجوزها و موافقت‌نامه‌های دولتی دست و پاگیر، قوانین و مقررات افراطی ناظر بر فعالیت‌های بنگاه‌های خصوصی با بار مالیاتی بالا، در مسیر راه‌اندازی فضاهای تولیدی محدودیت ایجاد می‌کند و به افزایش هزینه اولیه طرح‌های سرمایه‌گذاری منجر می‌شود، که اگر این هزینه‌ها به اندازه کافی بالا باشد، مانعی در مسیر رشد سرمایه‌گذاری در بسترهای تولیدی ایجاد می‌کند و این امر نیز می‌تواند به کاهش بهره‌وری منجر گردد. براین اساس، برای رسیدن به بهره‌وری بالا و پایدار، لحاظ کردن کیفیت قوانین و مقررات در قانون‌گذاری، ضروری است (کریمی، حیدریان و دورباش، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

۵. حاکمیت قانون

حاکمیت قانون به واسطه حمایت از حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادها و مهم‌تر از همه، با ایجاد کارآفرینی، زمینه بهبود عملکرد نهادهای تولیدی را فراهم می‌کند. بارو (Barro) معتقد است از آنجا که مردم به دنبال نفع شخصی هستند، فقط در صورتی برای سرمایه‌گذاری اقدام

می‌کنند که احتمال منتفع شدن کوششان موجود باشد؛ بنابراین اگر به واسطه حاکمیت قانون، حقوق مالکیت در جامعه خوب تأمین شده باشد، مردم به افزایش سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند و پرواضح است که در چنین حالتی از طریق افزایش میزان تولید، زمینه برای شکل‌گیری هرچه بیشتر بهره‌وری مهیا می‌گردد (Balcerzak & Pietrzak, 2016: 500).

حال اگر در جامعه‌ای نظم و قانون حاکم نباشد، در چنین حالتی، بی‌اعتنایی به قراردادها به‌ویژه از جانب دولت‌ها می‌تواند رواج داشته باشد و سرمایه‌گذاران (اعم از داخلی و خارجی)، می‌توانند با خطرات مصادره اموال خود از جانب دولت‌ها مواجه شوند. آشکار است که در چنین وضعیتی، سرمایه‌گذاران از هزینه‌کردن بروی طرح‌های تولیدی، امتناع می‌کنند و از این‌رو زمینه‌های لازم برای حمایت مالی از تولیدات، محدود گشته و همین امر می‌تواند به کاهش بهره‌وری منجر گردد (Mason, 2013: 44).

۶. کنترل فساد

با کنترل فساد، امکان تخصیص بهینه استعدادهای جامعه و کاهش فعالیت‌های رانت‌جویانه فراهم می‌گردد، جامعه از پتانسیل‌های واقعی خود برخوردار شده و زمینه‌های گسترش تولید پایدارتر فراهم می‌گردد. مورو (Mauro) نیز معتقد است که کنترل فساد، سبب حرکت سرمایه‌گذاری‌های عمومی به سمت طرح‌هایی می‌شود که امکان فساد در آن‌ها کمتر است (با توجه به میزان ضرورت طرح) که این امر سبب حرکت منابع به‌ویژه سرمایه‌های انسانی به سمت فعالیت‌های نوآورانه می‌شود.

پرواضح است که در چنین حالتی، سود حاصل از طرح‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند افزایش یابد؛ لذا انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های بیشتر مهیا می‌شود و همین امر نیز به افزایش روند تولید با به کارگیری ترکیب مناسبی از نهادهای تولیدی منجر شده و در نهایت زمینه‌ساز ارتقای بهره‌وری می‌شود (Foster, Pöschl & Stehrer, 2012: 4). ولی در صورت وجود فساد در سازمان‌های دولتی، نوعی بی‌اعتمادی از جانب بخش خصوصی نسبت به دولت ایجاد می‌شود و این بی‌اعتمادی نیز در قالب اشکال مختلف از جمله خودداری از سرمایه‌گذاری‌های کارآمد و درپیش‌گرفتن سیاست‌های صبر و انتظار جلوه خواهد کرد. طبیعی است که در چنین

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال... (لاله طبقچی اکبری و همکاران) ۳۱۹
وضعیتی، روند تولید و بهره‌وری نیز نمی‌تواند چشمگیر باشد (شریف آزاده و حسین‌زاده
بحرینی، ۱۳۸۲: ۱۸۸).

پیشینه تجربی

باتوجه به تحقیقات انجام‌شده، مطالعه خاصی در زمینه بررسی تأثیرات همزمان شاخص‌های
عوامل سیاسی به تفکیک متغیرهای حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت،
اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد بر مؤلفه‌های بهره‌وری
(بهره‌وری کل عوامل تولید، بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری سرمایه) با استفاده از تکنیک
پانل دیتا با رویکرد حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) برای کشورهای درحال توسعه
وجود نداشت.

در مطالعات قبلی، عمدتاً به تأثیر عوامل سیاسی بر یکی از مؤلفه‌های بهره‌وری پرداخته
شده بود و تأکید عمده هم، بر روی بهره‌وری کل عوامل تولید بود. از طرفی هم در مطالعات
فوق، صرفاً در برخی مطالعات، تأثیر شش شاخص فوق بر روی بهره‌وری کل عوامل تولید
مورد ارزیابی قرار گرفته بود؛ لذا در این پژوهش، با طراحی مدل‌های جامع‌تری، به بررسی
تأثیرات همزمان شاخص‌های عوامل سیاسی (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون
خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر مؤلفه‌های
بهره‌وری (بهره‌وری کل عوامل تولید، بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری سرمایه) در پانزده
کشور منتخب درحال توسعه طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی
پانل دیتا با رویکرد حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) پرداخته می‌شود. در ذیل نیز به
بررسی تحقیقات داخلی و خارجی انجام‌گرفته در زمینه موضوع تحقیق می‌پردازیم:

کاستلنوو، چیارا و ماسیمو (Castelnovo, Chiara & Massimo, 2019)، به بررسی تأثیر
عوامل نهادی بر بهره‌وری کل شرکت‌های بزرگ مخابراتی در ۳۴۸ شرکت فعال مخابراتی
مربوط به ۹۰ کشور منتخب جهان طی بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ پرداختند. برای بررسی
روابط فوق نیز از تکنیک داده‌های پانلی با رهیافت حداقل مربعات معمولی استفاده شد و

آنچنان که از نتایج رگرسیونی پیداست، عوامل نهادی، تأثیر مثبتی بر بهره‌وری کل شرکت‌های یادشده داشته است.

بالسرزاک و پیترزاک (Balcerzak & Pietrzak, 2016)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل نهادی و بهره‌وری کل عوامل تولید در اتحادیه اروپا» به بررسی رابطه عوامل نهادی و بهره‌وری کل عوامل تولید در اتحادیه اروپا طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از برآورد مدل با روش پانل دیتا با رهیافت حداقل مربعات معمولی گویای این امر است که عوامل نهادی، تأثیر مثبتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید داشته است.

بایورت، ویلدان سرین و ابان آریکان (Bayyurt, Vildan Serin & Eban Arkan, 2015)، به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر بهره‌وری بخش کشاورزی برای ۲۴ کشور منتخب عضو اتحادیه اروپا طی بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ پرداخته‌اند. برای بررسی روابط فوق آنان نیز از تکنیک‌های تحلیل پوششی داده‌ها و پانل توبیت استفاده شده و براساس نتایج رگرسیونی، شاهد روابط مثبتی بین شاخص‌های حکمرانی خوب و بهره‌وری بخش کشاورزی هستیم.

فوستر، پسچل و استهر (Foster, Pöschl & Stehrer, 2012)، به بررسی تأثیر عوامل نهادی (کیفیت مقررات) بر بهره‌وری کل عوامل تولید پرداخته‌اند. این مطالعه برای کشورهای منتخب جهان طی بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ با استفاده از تکنیک پانل دیتا با رهیافت حداقل مربعات معمولی صورت گرفت و براساس برآورد پژوهش، شاهد رابطه مثبتی در طی دوره زمانی مورد بررسی هستیم.

چئونا، دوالب و سونگس (Cheona, Dowallb & Songc, 2010)، در پژوهشی به بررسی تأثیر اصلاحات نهادی بر بهره‌وری کل بنادر پرداخته‌اند. این مطالعه برای ۸۹ کشور منتخب جهان طی بازه زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴ با استفاده از تکنیک پانل دیتا با رهیافت حداقل مربعات معمولی انجام شد و براساس نتایج تخمینی، شاهد رابطه مثبتی طی بازه زمانی مورد بررسی هستیم.

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبیچی اکبری و همکاران) ۳۲۱

چهرازی مدرسه و جلالی (۱۳۹۵)، به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۵-۱۳۹۱ پرداخته‌اند. نویسندگان بر آنیل به این هدف، از تکنیک الگوی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده استفاده کرده‌اند. نتایج برآورد مدل نشان داد که شاخص‌های کنترل فساد، کارایی و اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و عدم خشونت و حق اظهارنظر و پاسخگویی بر بهره‌وری اثر مثبتی داشتند، درحالی‌که در بلندمدت، تأثیر شاخص‌های حاکمیت قانون و کیفیت مقررات بر بهره‌وری کل عوامل تولید، منفی بود.

ثقفی (۱۳۹۴)، به بررسی تأثیر عوامل نهادی بر بهره‌وری کل عوامل تولید پرداخته است. او از تکنیک اقتصادسنجی پانل پویا با رهیافت گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده کرده است و ۲۴ کشور منتخب درحال توسعه طی دوره زمانی ۲۰۱۱-۲۰۰۲ بررسی کرده است. نتایج به‌دست آمده گویای آن است که شاخص‌های عوامل نهادی، دارای تأثیر مثبتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید دارند.

یوسفی و مبارک (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عوامل تعیین‌کننده بهره‌وری در صنایع کارخانه‌ای ایران» به بررسی تأثیر عوامل نهادی (حاکمیت قانون، کنترل فساد، حقوق مالکیت و ثبات سیاسی بدون خشونت) بر بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش صنعت ایران در قالب کدهای دو رقمی ISIC با لحاظ ۲۳ زیرگروه صنعتی طی بازه زمانی ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۶ پرداخته‌اند. در این پژوهش برای تخمین آثار متغیرها، از تکنیک داده‌های پانلی با رهیافت حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است و براساس نتایج رگرسیون، شاهد رابطه منفی طی دوره زمانی مورد بررسی هستیم.

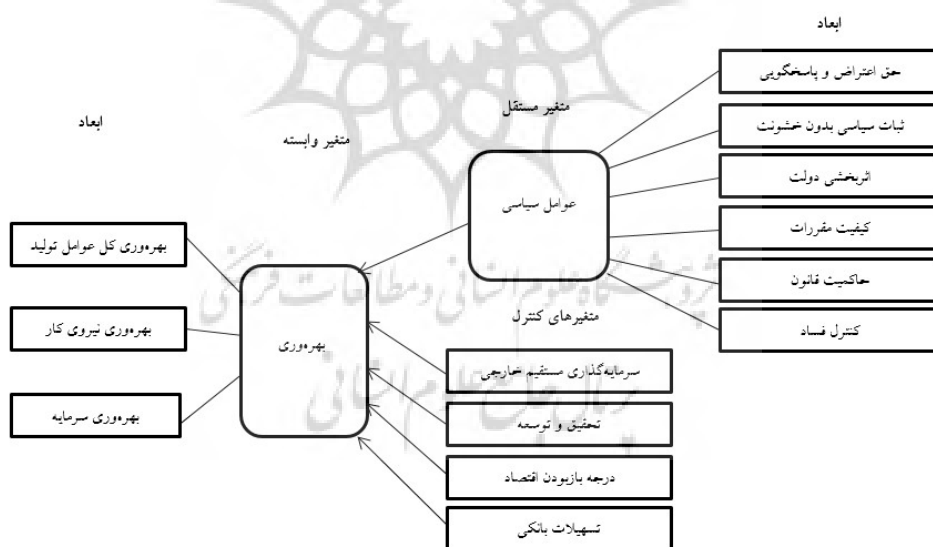
رضائی (۱۳۹۱)، به تحلیل پیامدهای عوامل نهادی بر رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۶ با استفاده از مدل فضا-حالت پرداخته است. نتایج رگرسیون نشان داد که برخی کمیت‌های واردشده در مدل؛ مانند نهادهای حاکمیتی (ثبات سیاسی و پاسخگویی) و میزان دخالت دولت درکنار ملاک‌های نهادی قدیمی‌تر؛ مثل بی‌ثباتی اقتصاد کلان، اثر مثبتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید داشته است.

مدل مفهومی

در این پژوهش، تأثیر شاخص‌های عوامل سیاسی (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر مؤلفه‌های بهره‌وری (بهره‌وری کل عوامل تولید، بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری سرمایه) در پانزده کشور منتخب در حال توسعه (ایران، برزیل، مصر، اندونزی، اردن، موریس، مغولستان، فیلیپین، تایلند، کلمبیا، هندوستان، قزاقستان، مکزیک، پرو و آفریقای جنوبی) طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تحقیق و توسعه، درجه بازبودن اقتصاد و تسهیلات بانکی نیز به عنوان متغیرهای کنترل در مدل‌ها وارد می‌شوند.

مدل‌های مورد بررسی، با استناد بر مبانی نظری و مطالعات تجربی، به‌ویژه مقاله کاستلنوو، چیارا و ماسیمو (Castelno, Chiara & Massimo, 2019)، به شرح زیر معرفی می‌شوند:

شکل ۱: مدل مفهومی



$$\text{LnTFP}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LnVA}_{it} + \alpha_2 \text{LnPS}_{it} + \alpha_3 \text{LnGE}_{it} + \alpha_4 \text{LnRQ}_{it} + \alpha_5 \text{LnRL}_{it} + \alpha_6 \text{LnCC}_{it} + \alpha_7 \text{LnFDI}_{it} + \alpha_8 \text{LnRD}_{it} + \alpha_9 \text{LnO}_{it} + \alpha_{10} \text{LnBC}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبیچی اکبری و همکاران) ۳۲۳

$$\text{LnLP}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LnVA}_{it} + \alpha_2 \text{LnPS}_{it} + \alpha_3 \text{LnGE}_{it} + \alpha_4 \text{LnRQ}_{it} + \alpha_5 \text{LnRL}_{it} + \alpha_6 \text{LnCC}_{it} + \alpha_7 \text{LnFDI}_{it} + \alpha_8 \text{LnRD}_{it} + \alpha_9 \text{LnO}_{it} + \alpha_{10} \text{LnBC}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

$$\text{LnKP}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{LnVA}_{it} + \alpha_2 \text{LnPS}_{it} + \alpha_3 \text{LnGE}_{it} + \alpha_4 \text{LnRQ}_{it} + \alpha_5 \text{LnRL}_{it} + \alpha_6 \text{LnCC}_{it} + \alpha_7 \text{LnFDI}_{it} + \alpha_8 \text{LnRD}_{it} + \alpha_9 \text{LnO}_{it} + \alpha_{10} \text{LnBC}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

شاخص‌های عوامل سیاسی عبارتند از:

VA: بیانگر حق اعتراض و پاسخگویی است که از منظر بانک جهانی، این شاخص مفاهیمی همچون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی و فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات را دربر می‌گیرد.

PS: گویای ثبات سیاسی بدون خشونت است که از نظر بانک جهانی، این شاخص از مفاهیمی همانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا ناشی می‌شود.

GE: مبین اثربخشی دولت است که از منظر بانک جهانی، این شاخص عمدتاً بیانگر توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیمات مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران است.

RQ: بیانگر کیفیت مقررات است که از نظر بانک جهانی، این شاخص مفاهیمی همچون مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای و دسترسی به بازارها را دربر می‌گیرد.

RL: گویای حاکمیت قانون است که طبق استناد بانک جهانی، اعتماد مردم به قوانین، پیش‌بینی‌پذیری دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت از جمله مؤلفه‌های اصلی سنجش شاخص حاکمیت قانون است.

CC: مبین کنترل فساد است که این شاخص طبق استناد بانک جهانی از مفاهیمی همچون فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدابیر ضدفساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی و پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی ناشی می‌شود.

شاخص‌های بهره‌وری نیز عبارتند از:

TFP: نشانگر بهره‌وری کل عوامل تولید است که از نسبت تولید بر مجموع نهاده‌های نیروی کار، سرمایه و انرژی به دست می‌آید.
LP: بیانگر بهره‌وری نیروی کار است که از نسبت تولید بر نهاده نیروی کار به دست می‌آید.
KP: معرف بهره‌وری سرمایه است که از نسبت تولید بر نهاده سرمایه به دست می‌آید.
متغیرهای کنترل نیز عبارتند از:

FDI: بیانگر جریان خالص ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورها، به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی است.

RD: گویای شاخص تحقیق و توسعه است که در قالب مخارج تحقیق و توسعه در مدل وارد می‌شود (به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی).

O: نشانگر شاخص درجه بازبودن اقتصاد است که از مجموع صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی حاصل می‌شود.

BC: بیانگر تسهیلات اعطایی نظام بانکی، به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی است.
 ε و \ln نیز به ترتیب، نشان‌دهنده جمله خطای تصادفی و لگاریتم طبیعی است.

لازم به ذکر است که اطلاعات مربوط به شاخص‌های عوامل سیاسی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تحقیق و توسعه، درجه بازبودن اقتصاد و تسهیلات بانکی از پایگاه بانک جهانی (World Bank) گردآوری شده‌اند. اطلاعات مربوط به شاخص‌های بهره‌وری نیز، از جدول جهانی پن (Penn World Table) استخراج شده‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

برای برآورد آثار متغیرها، از تکنیک اقتصادسنجی پانل دیتا (Panel Data) با رویکرد حداقل مربعات معمولی پویا (Dynamic Ordinary Least Squares) (DOLS) استفاده می‌شود. برآوردگر DOLS در مقایسه با سایر برآوردهای بردار همگرایی، از مزایا و نقاط قوت مختلفی برخوردار است که در ادامه به ارائه این موارد می‌پردازیم:

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبیچی اکبری و همکاران) ۳۲۵

۱. پویایی: منظور از پویا بودن این است که در روش DOLS، الگوی زمانی واکنش یک متغیر وابسته، نسبت به تغییرات متغیر یا متغیرهای مستقل مورد توجه قرار می‌گیرد.
۲. تخمین آسان: تخمین مدل این برآوردگر در مقایسه با سایر برآوردگرهای دارای کارایی مجانبی، بسیار آسان‌تر است.
۳. سازگاری: برازش بلندمدت پارامترها با روش DOLS سازگار است (منجذب و نصرتی، ۱۳۹۷: ۲۱۴).
۴. توزیع مجانبی نرمال: برآوردگر DOLS برخلاف برآوردگر انگل- گرنجر که توزیع مجانبی آن غیرنرمال است، از توزیع مجانبی نرمالی برخوردار است.
۵. خطای کمتر: در نمونه‌های کوچک، برآوردهای حاصل از روش DOLS، از میانگین مجذور خطای کمتری نسبت به برآوردهای حاصل از روش حداکثر راست‌نمایی یوهانسون، برخوردار است؛ به عبارتی، برپایه شبیه‌سازی مونت کارلو، DOLS در بین همه برآوردگرهای رگرسیون بردار همگرایی، از میانگین مجذور خطاهای کمتری برخوردار است.
۶. پسماندهای برونزا: پسماندهایی که از روش DOLS حاصل می‌شوند، با هیچکدام از متغیرهای مستقل، همبستگی ندارد و می‌توان آن را کاملاً برونزا در نظر گرفت.
۷. رویکرد و روش مناسب: برآوردگر DOLS، روش مناسبی برای تصحیح مشکل درون‌زایی و خودهمبستگی قلمداد می‌گردد.
۸. حل مشکل تورش: تخمین روابط بلندمدت با استفاده از تخمین حداقل مربعات معمولی در نمونه‌های کوچک می‌تواند با تورش همراه باشد و لذا نمی‌توان با استفاده از آماره t به استنباط آماری پرداخت، براین اساس یکی از روش‌ها برای حل مشکل تورش نمونه‌ای کوچک، برآوردگر DOLS است.
۹. داشتن عملکرد بهتر: روش DOLS عملکرد بهتری در داده‌های پانلی متقارن و نامتقارن دارد، به گونه‌ای که اضافه کردن مقادیر پیشین و پسین تفاضل مرتبه اول متغیرهای توضیحی از طریق کاهش تورش مجانبی ناشی از درون‌زایی متغیرهای توضیحی، خطای برآورد از طریق DOLS را به اندازه چشمگیری کاهش می‌دهد (همان منبع: ۲۱۵).

لازم به ذکر است که کلیه تجزیه و تحلیل‌های مربوطه نیز در نرم‌افزار Eviews 11 صورت گرفته است.

یافته‌های پژوهش

آزمون مانایی

برای بررسی مانایی متغیرها از آزمون لوین، لین و چو استفاده شده است. در این آزمون، فرضیه صفر مبنی وجود ریشه واحد (عدم مانایی) است. خلاصه نتایج این آزمون در جدول (۱) بیان گردیده است. با توجه به نتایج جدول فوق، تمامی متغیرها در سطح مانا هستند ((0) I و لذا نیازی به تفاضل‌گیری و بررسی آزمون همجمعی وجود ندارد.

جدول ۱: نتایج آزمون مانایی

متغیر	مقدار آماره	احتمال
LnTFP	-۳/۴۹۱۲	۰/۰۰۰۲
LnLP	-۳/۹۵۸۱	۰/۰۰۰۰
LnKP	-۳/۷۶۹۳	۰/۰۰۰۱
LnVA	-۵/۰۶۱۹	۰/۰۰۱۶
LnPS	-۴/۲۱۰۶	۰/۰۰۰۱
LnGE	-۶/۶۲۲۰	۰/۰۰۰۰
LnRQ	-۶/۱۳۰۳	۰/۰۰۰۰
LnRL	-۴/۲۹۶۶	۰/۰۰۰۷
LnCC	-۴/۲۲۰۲	۰/۰۰۰۲
LnFDI	-۵/۴۴۸۹	۰/۰۰۰۰
LnRD	-۴/۹۶۸۲	۰/۰۰۰۰
LnO	-۳/۳۳۴۷	۰/۰۰۲۳
LnBC	-۲/۸۵۷۲	۰/۰۰۲۱

منبع: یافته‌های پژوهش

برآورد مدل

برآورد مدل (۱)

جدول ۲: نتایج آزمون‌ها و برآورد مدل (۱)

نتایج آزمون F لیمر برای مدل (۱)			
احتمال	درجه آزادی	آماره آزمون	آزمون اثرات
۰/۰۰۰۰	(۱۴ و ۱۵۵)	۳۳/۸۱۲۵	Cross-Section F
۰/۰۰۰۰	۱۴	۲۸۷/۹۸۱۳	Cross-Section Chi-square
نتایج آزمون هاسمن برای مدل (۱)			
احتمال	درجه آزادی	آماره آزمون	آزمون اثرات
۰/۰۰۰۰	۱۰	۶۹/۳۱۶۵	Cross-section random
نتایج برآورد مدل برای مدل (۱)			
احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب متغیرها
۰/۰۰۰۰	-۲۱/۹۵۶۶	۰/۰۳۴۲	C
۰/۰۱۷۰	۲/۸۰۷۶	۰/۰۸۸۲	LnVA
۰/۰۰۰۶	۴/۷۶۴۲	۰/۰۴۸۳	LnPS
۰/۰۰۰۱	۶/۱۴۷۸	۰/۱۱۳۵	LnGE
۰/۰۰۰۸	۴/۵۵۳۷	۰/۱۸۵۰	LnRQ
۰/۰۰۰۴	۳/۶۲۳۸	۰/۱۹۴۶	LnRL
۰/۰۰۰۳	۵/۱۳۸۵	۰/۰۵۹۶	LnCC
۰/۰۲۶۲	۲/۲۲۳۶	۰/۱۱۱۴	LnFDI
۰/۰۵۰۹	۲/۱۹۰۲	۰/۳۶۶۶	LnRD
۰/۰۰۳۸	۳/۶۴۸۰	۰/۲۵۷۰	LnO
۰/۰۵۵۸	۲/۱۳۸۰	۰/۲۲۴۱	LnBC
	۰/۹۹۶۷		R ²
	۰/۹۹۱۶		R ² تعدیل شده
	۲/۰۳۰۶		دوربین واتسون

براساس نتایج ارائه شده در جدول (۲) در همه جوامع فوق، فرضیه H_0 مبنی بر برابری عرض از مبدأها رد می‌شود و لذا براین اساس باید عرض از مبدأهای مختلفی را در تخمین لحاظ کرد؛ لذا می‌توان از روش پانل برای برآورد استفاده کرد. حال برای تعیین نوع روش تخمین به لحاظ اثرات ثابت یا تصادفی، باید آزمون «هاسمن» را انجام دهیم. براساس نتایج آزمون هاسمن در جدول فوق، فرضیه H_0 که مبنی سازگاری تخمین‌های اثر تصادفی است، در کل جوامع فوق رد می‌گردد و باید تخمین مدل مربوطه، با روش اثرات ثابت انجام شود. نتایج حاصل از برآورد مدل (۱) نیز به شرح زیر بیان‌کردنی است:

حق اعتراض و پاسخگویی بر بهره‌وری کل عوامل تولید، تأثیر مثبتی دارد و در سطح پنج درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۱). ضریب این متغیر معادل ۰/۲۴ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در حق اعتراض و پاسخگویی، بهره‌وری کل عوامل تولید معادل ۰/۲۴ درصد افزایش می‌یابد. این رابطه مثبت بدان مفهوم است که هرچقدر در جوامع درحال توسعه، زمینه‌ها برای حق اعتراض و پاسخگویی فراهم باشد یا حکومت دموکراتیک در این جوامع حاکم باشد، از یک‌سو انگیزه برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی افزایش می‌یابد و از سوی دیگر، انگیزه نیروی کار برای فعالیت‌های تولیدی تا حد زیادی تأمین می‌گردد. طبیعی است که در چنین حالتی، بهره‌وری کل عوامل تولید افزایش چشمگیری را به‌همراه داشته باشد.

ثبات سیاسی بدون خشونت تأثیر مثبتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۲). ضریب این متغیر معادل ۰/۲۳ است که بدان مفهوم است که به‌واسطه یک درصد افزایش در ثبات سیاسی بدون خشونت، بهره‌وری کل عوامل تولید معادل ۰/۲۳ درصد افزایش می‌یابد؛ به بیانی دیگر هرچقدر بسترهای ثبات سیاسی بدون خشونت در این جوامع بیشتر باشد، امکان تنش‌ها و درگیری‌های درون یا برون‌مرزی به‌میزان درخور توجهی کاهش می‌یابد و در چنین حالتی، سرمایه‌گذار و نیروی کار با احساس امنیت و انگیزه بیشتری اقدام به سرمایه‌گذاری و فعالیت می‌کنند؛ لذا بهره‌وری کل عوامل تولید در چنین حالتی می‌تواند افزایش چشمگیری را به‌همراه داشته باشد.

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال... (لاله طبیچی اکبری و همکاران) ۳۲۹

اثربخشی دولت بر بهره‌وری کل عوامل تولید، تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنی دار است (تأیید فرضیه ۳). ضریب این متغیر معادل $0/69$ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در اثربخشی دولت، بهره‌وری کل عوامل تولید معادل $0/69$ درصد افزایش می‌یابد. در واقع چنین ادعان کردنی است که در صورت وجود دولت اثربخش و کارا، سیاست‌گذاری‌های دولت از طریق حمایت‌های حسابگرانه، می‌تواند به تضمین هرچه بیشتر حقوق مالکیت منجر گردد و زمینه‌ساز افزایش سرمایه‌گذاری و فعالیت نیروی کار در بخش‌های تولیدی شده و روند رشد بهره‌وری کل عوامل تولید را فزونی بخشد.

کیفیت مقررات، تأثیر مثبتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۴). ضریب این متغیر معادل $0/84$ است که بدان مفهوم است که به‌واسطه یک درصد افزایش در کیفیت مقررات، بهره‌وری کل عوامل تولید معادل $0/84$ درصد افزایش می‌یابد. براین اساس، هرچقدر مقررات دست و پاگیر در جوامع درحال توسعه کمتر باشد؛ یا به‌عبارتی، کیفیت قوانین و مقررات در قانون‌گذاری، بیشتر مدنظر قرار بگیرد، انگیزه‌های سرمایه‌گذاران و نیروی کار برای فعالیت‌های تولیدی افزایش می‌یابد و در چنین حالتی بهره‌وری کل عوامل تولید نیز به مقدار زیادی افزایش خواهد یافت.

حاکمیت قانون بر بهره‌وری کل عوامل تولید، تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنی دار است (تأیید فرضیه ۵). ضریب این متغیر معادل $0/70$ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در حاکمیت قانون، بهره‌وری کل عوامل تولید معادل $0/70$ درصد افزایش می‌یابد؛ به عبارتی، هرچقدر قانون در جوامع درحال توسعه بیشتر حاکم باشد، طبیعتاً حقوق مالکیت در چنین حالتی، به نحو موثرتری تأمین می‌گردد و این امر نیز می‌تواند زمینه‌ساز جذب هرچه بیشتر نیروهای کار و سرمایه‌های جدید شده و به‌واسطه افزایش تولید، بهره‌وری کل عوامل تولید را نیز افزایش دهد.

کنترل فساد تأثیر مثبتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۶). ضریب این متغیر معادل $0/30$ است که بدان مفهوم است که به‌واسطه یک درصد افزایش در کنترل فساد، بهره‌وری کل عوامل تولید معادل $0/30$ درصد افزایش

می‌یابد؛ به عبارتی دیگر، با کنترل هرچه بیشتر فساد، امکان تخصیص بهینه منابع و کاهش فعالیت‌های رانت‌جویانه فراهم می‌گردد و لذا جامعه از ظرفیت‌های واقعی خود برخوردار شده و زمینه‌های گسترش تولید با به کارگیری ترکیب مناسبی از کلیه نهاده‌های تولیدی فراهم می‌گردد که این موضوع به معنای افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید است.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر بهره‌وری کل عوامل تولید، تأثیر مثبتی دارد و در سطح پنج درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۷). ضریب این متغیر معادل ۰/۲۴ است که بدان مفهوم است که به‌واسطه یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بهره‌وری کل عوامل تولید معادل ۰/۲۴ درصد افزایش می‌یابد؛ به بیانی دیگر با جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به‌واسطه انتقال فن‌آوری و سرریزهای دانش به کشور میزبان، انگیزه بنگاه‌های داخلی برای سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیق و توسعه، ارتقای سطح آموزش و تخصص کارکنان و استخدام نیروی متخصص بیشتر می‌شود که این عوامل، افزایش تولید با به کارگیری هرچه بیشتر نهاده‌ها و به تبع آن بهره‌وری کل عوامل تولید را در اقتصاد در پی خواهد داشت. شاخص تحقیق و توسعه تأثیر مثبتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید دارد و در سطح ده درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۸). ضریب این متغیر معادل ۰/۸۰ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در مخارج تحقیق و توسعه، بهره‌وری کل عوامل تولید معادل ۰/۸۰ درصد افزایش می‌یابد. در واقع چنین اذعان کردنی است که به‌واسطه افزایش مخارج تحقیق و توسعه، زمینه برای شکل‌گیری فعالیت‌های نوآورانه، کارآفرینی و فن‌آوری‌های جدید فراهم می‌شود و این امر نیز سبب تقویت روند جابه‌جایی عوامل تولید و ایجاد تنوع و توان تولیدی بیشتر می‌شود و از این طریق، بهره‌وری کل عوامل تولید را ارتقا می‌دهد.

شاخص درجه بازبودن اقتصاد بر بهره‌وری کل عوامل تولید، تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۹). ضریب این متغیر معادل ۰/۹۳ است که بدان مفهوم است که به‌واسطه یک درصد افزایش در درجه بازبودن اقتصاد، بهره‌وری کل عوامل تولید معادل ۰/۹۳ درصد افزایش می‌یابد. در واقع چنین گفتنی است که سیاست‌های مربوط

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبیچی اکبری و همکاران) ۳۳۱

به بازبودن اقتصاد یا آزادسازی اقتصادی، به‌واسطه ایجاد رقابت بین بنگاه‌ها، کارایی اقتصادی را در کل اقتصاد افزایش داده و باعث بهبود تخصیص کلیه عوامل و منابع تولیدی در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌گردد و از این طریق، زمینه‌های افزایش بهره‌وری کل عوامل تولید را فراهم می‌سازد.

تسهیلات بانکی تأثیر مثبتی بر بهره‌وری کل عوامل تولید دارد و در سطح ده درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۱۰). ضریب این متغیر معادل ۰/۴۷ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در تسهیلات بانکی، بهره‌وری کل عوامل تولید معادل ۰/۴۷ درصد افزایش می‌یابد. پرواضح است که با افزایش اعطای تسهیلات بانکی، زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری شکل می‌گیرد و مشکلات مربوط به تنگناهای تولیدی مرتبط با دستگاه‌ها و ماشین آلات فن‌آورانه و مدرن تا حدی تقلیل می‌یابد و تقاضا برای نهاده‌های تولیدی به‌ویژه نیروی کار با کیفیت بالا افزایش یافته و همین امر، حجم تولیدات را افزایش می‌دهد و به ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید منجر می‌گردد.

براساس مقادیر ضرایب تعیین (R2 و R2 تعدیل شده) نیز می‌توان اذعان داشت که متغیرهای حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تحقیق و توسعه، درجه بازبودن اقتصاد و تسهیلات بانکی توانسته‌اند معادل ۰/۹۹۶ و ۰/۹۹۱، تغییرات متغیر بهره‌وری کل عوامل تولید را توجیه کنند. براین اساس مدل برازش شده، دارای قدرت توضیح‌دهندگی بالایی است. براساس میزان آماره دوربین واتسون (DW) که معادل ۲/۰۳ است، در مدل مربوطه مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

برآورد مدل (۲)

جدول ۳: نتایج آزمون‌ها و برآورد مدل (۲)

نتایج آزمون F لیمر برای مدل (۲)			
احتمال	درجه آزادی	آماره آزمون	آزمون اثرات

Cross-Section F	۳۷/۶۱۳۲	(۱۴ و ۵۵)	۰/۰۰۰۰
Cross-Section Chi-square	۲۶۶/۵۷۹۲	۱۴	۰/۰۰۰۰
نتایج آزمون هاسمن برای مدل (۲)			
آزمون اثرات	آماره آزمون	درجه آزادی	احتمال
Cross-section random	۵۲/۴۷۲۱	۱۰	۰/۰۰۵۱
نتایج برآورد مدل برای مدل (۲)			
متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t
C	-۰/۸۱۱۱	۰/۰۲۹۳	-۲۶/۶۰۵۶
LnVA	۰/۲۱۸۸	۰/۰۸۳۵	۲/۶۱۹۴
LnPS	۰/۲۲۹۷	۰/۰۴۴۸	۵/۱۱۷۷
LnGE	۰/۶۳۳۲	۰/۰۹۱۳	۶/۹۳۲۵
LnRQ	۰/۷۱۰۹	۰/۲۹۶۹	۲/۳۹۴۴
LnRL	۰/۸۴۹۸	۰/۱۷۳۶	۴/۸۹۳۵
LnCC	۰/۳۷۱۸	۰/۱۵۳۷	۲/۴۱۸۰
LnFDI	۰/۵۶۲۹	۰/۲۰۷۰	۲/۸۱۸۰
LnRD	۰/۳۰۵۱	۰/۱۴۷۷	۲/۰۶۵۲
LnO	۰/۴۷۶۰	۰/۱۸۷۵	۲/۵۳۸۱
LnBC	۰/۲۹۴۱	۰/۰۴۸۷	۶/۰۲۸۶
R ²		۰/۹۹۵۶	
R ² تعدیل شده		۰/۹۹۱۳	
دوربین واتسون		۲/۱۷۳۲	

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۳) در همه جوامع فوق، فرضیه H₀ مبنی بر برابری عرض از مبدأها رد می‌شود و لذا بر این اساس باید عرض از مبدأهای مختلفی را در تخمین لحاظ کرد؛ لذا می‌توان از روش پانل برای برآورد استفاده کرد. حال برای تعیین نوع روش تخمین

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال... (لاله طبیچی اکبری و همکاران) ۳۳۳

به لحاظ اثرات ثابت یا تصادفی، باید آزمون هاسمن را انجام دهیم. براساس نتایج آزمون هاسمن در جدول فوق، فرضیه H_0 که مبین سازگاری تخمین‌های اثر تصادفی است، در کل جوامع فوق رد می‌گردد و باید تخمین مدل مربوطه، با روش اثرات ثابت انجام شود. نتایج حاصل از برآورد مدل (۲) نیز به شرح زیر بیان شدند است:

حق اعتراض و پاسخگویی بر بهره‌وری نیروی کار، تأثیر مثبتی دارد و در سطح پنج درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۱). ضریب این متغیر معادل ۰/۲۱ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در حق اعتراض و پاسخگویی، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۲۱ درصد افزایش می‌یابد. این رابطه مثبت بدان مفهوم است که هرچقدر زمینه‌ها برای حق اعتراض و پاسخگویی در جوامع درحال توسعه فراهم باشد یا حکومت دموکراتیک در این جوامع حاکم باشد، نیروی کار با انگیزه بیشتری به فعالیت خواهد پرداخت و طبیعتاً بهره‌وری نیروی کار در چنین حالتی، روند افزایشی به‌همراه خواهد داشت.

ثبات سیاسی بدون خشونت تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۲). ضریب این متغیر معادل ۰/۲۲ است که بدان مفهوم است که به‌واسطه یک درصد افزایش در ثبات سیاسی بدون خشونت، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۲۲ درصد افزایش می‌یابد؛ به عبارتی هرچقدر بسترهای ثبات سیاسی بدون خشونت در این جوامع بیشتر باشد، امکان تنش‌ها و درگیری‌های درون یا برون‌مرزی به‌میزان زیادی کاهش می‌یابد و در چنین حالتی، نیروی کار با احساس امنیت و انگیزه بیشتری فعالیت می‌کند و لذا بهره‌وری نیروی کار در چنین حالتی افزایش می‌یابد.

اثربخشی دولت بر بهره‌وری نیروی کار، تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۳). ضریب این متغیر معادل ۰/۶۳ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در اثربخشی دولت، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۶۳ درصد افزایش می‌یابد. درواقع چنین درخور اذعان است که درصورت وجود دولت اثربخش و کارا، سیاست‌گذاری‌های دولت از طریق حمایت‌های حسابگرانه، می‌تواند به تضمین هرچه بیشتر

حقوق مالکیت افراد منجر گردد و از این طریق، زمینه‌های لازم برای فعالیت‌های هرچه بیشتر نیروی کار مهیا می‌گردد و بهره‌وری نیروی کار از این طریق افزایش می‌یابد.

کیفیت مقررات تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۴). ضریب این متغیر معادل ۰/۷۱ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در کیفیت مقررات، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۷۱ درصد افزایش می‌یابد. براین اساس، هرچه قدر مقررات دست و پاگیر در جوامع در حال توسعه کمتر باشد؛ یا به عبارتی، کیفیت قوانین و مقررات در قانون‌گذاری، بیشتر مدنظر قرار بگیرد، انگیزه فعالیت نیروی کار افزایش یافته و از این طریق نیز بهره‌وری نیروی کار نیز به مقدار درخور توجهی ارتقا خواهد یافت.

حاکمیت قانون بر بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبتی دارد و در سطح پنج درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۵). ضریب این متغیر معادل ۰/۸۴ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در حاکمیت قانون، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۸۴ درصد افزایش می‌یابد؛ به عبارتی، هرچه قدر قانون در جوامع در حال توسعه بیشتر حاکم باشد، طبیعتاً حقوق مالکیت افراد در چنین حالتی، به نحو مؤثرتری تأمین می‌گردد و این امر نیز می‌تواند بسترهای لازم را برای فعالیت کارای نیروی کار فراهم سازد و لذا از طریق افزایش تولید مؤثر حاصل از نیروی کار، بهره‌وری نیروی کار افزایش می‌یابد.

کنترل فساد تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح ده درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۶). ضریب این متغیر معادل ۰/۳۷ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در کنترل فساد، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۳۷ درصد افزایش می‌یابد. در واقع با کنترل هرچه بیشتر فساد، امکان تخصیص بهینه منابع انسانی و کاهش فعالیت‌های رانت‌جویانه فراهم می‌گردد و انگیزه نیروی کار نیز برای فعالیت‌های تولیدی افزایش می‌یابد و لذا بهره‌وری نیروی کار از این طریق محقق می‌گردد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبتی دارد و در سطح پنج درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۷). ضریب این متغیر معادل ۰/۵۶ است که بیانگر این امر

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبقچی اکبری و همکاران) ۳۳۵

است که به‌واسطه یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۵۶ درصد افزایش می‌یابد. در واقع به‌واسطه جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی از طریق سرریزهای دانش در کشور میزبان، شیوه‌های مدیریتی سنتی، اصلاح می‌گردد و زمینه‌های هرچه بیشتر تربیت نیروهای کار متخصص شکل می‌گیرد و همین امر نیز می‌تواند به تولیدات درخور توجه نیروی کار یا همان بهره‌وری نیروی کار منجر شود.

شاخص تحقیق و توسعه تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح پنج درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۸). ضریب این متغیر معادل ۰/۳۰ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در مخارج تحقیق و توسعه، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۳۰ درصد افزایش می‌یابد. در واقع چنین بیان شدنی است که به‌واسطه افزایش مخارج تحقیق و توسعه، زمینه برای شکل‌گیری فعالیت‌های نوآورانه و کارآفرینی فراهم می‌شود. پرواضح است که در چنین وضعیتی، هزینه نسبی تولیدات به‌واسطه فعالیت‌های تحقیق و توسعه، کاهش یافته و ظرفیت تولیدی بنگاه‌ها با به کارگیری ترکیب مناسبی از نیروهای کار متخصص، افزایش می‌یابد که به معنای افزایش بهره‌وری نیروی کار است.

شاخص درجه بازبودن اقتصاد بر بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبتی دارد و در سطح پنج درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۹). ضریب این متغیر معادل ۰/۴۷ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در درجه بازبودن اقتصاد، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۴۷ درصد افزایش می‌یابد. سیاست‌های مربوط به بازبودن اقتصاد یا آزادسازی اقتصادی، از طریق ایجاد رقابت بین بنگاه‌ها، کارایی اقتصادی را در کل اقتصاد افزایش داده و سبب تخصیص بهینه نهاده نیروی کار در بخش‌های مختلف تولیدی نیز می‌گردد و از این طریق، زمینه‌های افزایش بهره‌وری نیروی کار را فراهم می‌سازد.

تسهیلات بانکی تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۱۰). ضریب این متغیر معادل ۰/۲۹ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در تسهیلات بانکی، بهره‌وری نیروی کار معادل ۰/۲۹ درصد افزایش می‌یابد. با افزایش اعطای تسهیلات بانکی، زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری شکل

می‌گیرد و با تقلیل مشکلات مربوط به تنگنای تولیدی، تقاضا برای نیروی کار با کیفیت بالا افزایش می‌یابد. طبیعی است که در چنین حالتی، حجم تولیدات به ازای هر کارگر افزایش یافته و همین امر نیز به ارتقای بهره‌وری نیروی کار منجر می‌گردد.

بر اساس مقادیر ضرایب تعیین (R2 و R2 تعدیل شده) نیز می‌توان ادعان داشت که متغیرهای حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تحقیق و توسعه، درجهٔ بازبودن اقتصاد و تسهیلات بانکی توانسته‌اند معادل ۰/۹۹۵ و ۰/۹۹۱، تغییرات متغیر بهره‌وری نیروی کار را توجیه کنند. براین اساس مدل برازش شده، دارای قدرت توضیح‌دهندگی بالایی است. بر اساس میزان آماره دوربین واتسون (DW) که معادل ۲/۱۷ است، در مدل مربوطه مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

برآورد مدل (۳)

جدول ۴: نتایج آزمون‌ها و برآورد مدل (۳)

نتایج آزمون F لیمر برای مدل (۳)				
احتمال	درجه آزادی	آماره آزمون	آزمون اثرات	
۰/۰۰۰۰	(۱۴ و ۵۵)	۱۷/۸۷۲۲	Cross-Section F	
۰/۰۰۰۰	۱۴	۲۹۶/۶۷۸۷	Cross-Section Chi-square	
نتایج آزمون هاسمن برای مدل (۳)				
احتمال	درجه آزادی	آماره آزمون	آزمون اثرات	
۰/۰۰۰۷	۱۰	۵۷/۴۴۷۹	Cross-section random	
نتایج برآورد مدل برای مدل (۳)				
احتمال	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیرها
۰/۰۰۰۰	-۲۲/۱۶۲۵	۰/۰۳۶۷	-۰/۸۱۴۰	C
۰/۰۰۰۵	۴/۸۲۷۸	۰/۰۵۰۴	۰/۲۴۳۷	LnVA
۰/۰۰۰۱	۶/۱۹۵۷	۰/۱۰۳۷	۰/۶۴۳۰	LnPS

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب در حال ... (لاله طبیچی اکبری و همکاران) ۳۳۷

LnGE	۰/۷۵۹۹	۰/۳۳۶۷	۲/۲۵۶۷	۰/۰۴۵۴
LnRQ	۰/۹۷۲۹	۰/۱۸۵۴	۵/۲۴۵۵	۰/۰۰۰۳
LnRL	۰/۴۰۶۳	۰/۱۷۳۹	۲/۳۳۶۲	۰/۰۳۹۴
LnCC	۰/۷۸۷۷	۰/۲۰۰۱	۳/۹۳۵۳	۰/۰۰۲۳
LnFDI	۰/۱۹۵۶	۰/۰۲۷۰	۷/۲۳۳۰	۰/۰۰۰۰
LnRD	۰/۴۹۹۱	۰/۲۰۴۲	۲/۴۴۳۶	۰/۰۳۲۶
LnO	۰/۲۹۹۴	۰/۰۵۳۲	۵/۶۲۷۶	۰/۰۰۰۲
LnBC	۰/۷۸۹۹	۰/۱۲۸۷	۶/۱۳۴۰	۰/۰۰۰۱
R ²				۰/۹۹۷۸
R ² تعدیل شده				۰/۹۹۲۸
دوربین واتسون				۲/۱۶۶۰

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۴) در همه جوامع فوق، فرضیه H₀ مبنی بر برابری عرض از مبدأها رد می‌شود و لذا بر این اساس باید عرض از مبدأهای مختلفی را در تخمین لحاظ کرد؛ لذا می‌توان از روش پانل برای برآورد استفاده کرد. حال برای تعیین نوع روش تخمین به لحاظ اثرات ثابت یا تصادفی، باید آزمون هاسمن را انجام دهیم. بر اساس نتایج آزمون هاسمن در جدول فوق، فرضیه H₀ که مبنی سازگاری تخمین‌های اثر تصادفی است، در کل جوامع فوق رد می‌گردد و باید تخمین مدل مربوطه، با روش اثرات ثابت انجام شود. نتایج حاصل از برآورد مدل (۳) نیز به شرح زیر بیان شدنی است:

حق اعتراض و پاسخگویی بر بهره‌وری سرمایه، تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۱). ضریب این متغیر معادل ۰/۲۴ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در حق اعتراض و پاسخگویی، بهره‌وری سرمایه معادل ۰/۲۴ درصد افزایش می‌یابد. این رابطه مثبت بدان مفهوم است که هرچه قدر در جوامع در حال توسعه، زمینه‌ها برای حق اعتراض و پاسخگویی فراهم باشد یا حکومت دموکراتیک در این

جوامع حاکم باشد، انگیزه برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی افزایش می‌یابد و همین امر نیز، محرکی برای رشد بهره‌وری سرمایه خواهد بود.

ثبات سیاسی بدون خشونت تأثیر مثبتی بر بهره‌وری سرمایه دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۲). ضریب این متغیر معادل ۰/۶۴ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در ثبات سیاسی بدون خشونت، بهره‌وری سرمایه معادل ۰/۶۴ درصد افزایش می‌یابد؛ به بیانی دیگر هرچقدر بستری ثبات سیاسی بدون خشونت در این جوامع بیشتر باشد، امکان تنش‌ها و درگیری‌های درون یا برون‌مرزی به‌میزان زیادی کاهش می‌یابد و در چنین حالتی، سرمایه‌گذار با احساس امنیت و انگیزه بیشتری اقدام به سرمایه‌گذاری در طرح‌های تولیدی می‌کند و لذا بهره‌وری سرمایه در چنین حالتی می‌تواند رشد شایان توجهی را به همراه داشته باشد.

اثربخشی دولت بر بهره‌وری سرمایه تأثیر مثبتی دارد و در سطح پنج درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۳). ضریب این متغیر معادل ۰/۷۵ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در اثربخشی دولت، بهره‌وری سرمایه معادل ۰/۷۵ درصد افزایش می‌یابد. در واقع چنین درخور اذعان است که در صورت وجود دولت اثربخش و کارا، سیاست‌گذاری‌های دولت از طریق حمایت‌های حسابگرانه، می‌تواند به تضمین هرچه بیشتر حقوق مالکیت سرمایه‌گذاران منجر گردد و زمینه‌ساز افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی شده و روند رشد بهره‌وری سرمایه را فزونی بخشد.

کیفیت مقررات تأثیر مثبتی بر بهره‌وری سرمایه دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۴). ضریب این متغیر معادل ۰/۹۷ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در کیفیت مقررات، بهره‌وری سرمایه معادل ۰/۹۷ درصد افزایش می‌یابد. براین اساس، هرچقدر مقررات دست و پاگیر در جوامع در حال توسعه کمتر باشد؛ یا به‌عبارتی، کیفیت قوانین و مقررات در قانون‌گذاری، بیشتر مدنظر قرار بگیرد، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و همین امر به افزایش بهره‌وری سرمایه منجر می‌گردد.

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبیحی اکبری و همکاران) ۳۳۹

حاکمیت قانون بر بهره‌وری سرمایه تأثیر مثبتی دارد و در سطح پنج درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۵). ضریب این متغیر معادل $0/40$ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در حاکمیت قانون، بهره‌وری سرمایه معادل $0/40$ درصد افزایش می‌یابد؛ به عبارتی، هرچقدر قانون در جوامع درحال توسعه بیشتر حاکم باشد، طبیعتاً حقوق مالکیت در چنین حالتی، به نحو موثرتری تأمین می‌گردد و این امر نیز می‌تواند زمینه‌ساز جذب سرمایه‌های جدید شده و به‌واسطه افزایش تولید، بهره‌وری سرمایه را نیز افزایش دهد.

کنترل فساد تأثیر مثبتی بر بهره‌وری سرمایه دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۶). ضریب این متغیر معادل $0/78$ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در کنترل فساد، بهره‌وری سرمایه معادل $0/78$ درصد افزایش می‌یابد؛ به بیانی دیگر، با کنترل هرچه بیشتر فساد، امکان تخصیص بهینه منابع سرمایه‌ای و کاهش فعالیت‌های رانت‌جویانه فراهم می‌گردد و زمینه برای سرمایه‌گذاری و تولیدات بیشتر فراهم می‌گردد و از این طریق، بهره‌وری سرمایه محقق می‌گردد.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر بهره‌وری سرمایه تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۷). ضریب این متغیر معادل $0/19$ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بهره‌وری سرمایه معادل $0/19$ درصد افزایش می‌یابد. در واقع، به‌واسطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، انتقال فن‌آوری مناسب به کشور میزبان صورت می‌گیرد و همین امر نیز می‌تواند به افزایش تولید و بهره‌وری عامل سرمایه منجر گردد.

شاخص تحقیق و توسعه تأثیر مثبتی بر بهره‌وری سرمایه دارد و در سطح پنج درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۸). ضریب این متغیر معادل $0/49$ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در مخارج تحقیق و توسعه، بهره‌وری سرمایه معادل $0/49$ درصد افزایش می‌یابد. در واقع چنین گفتنی است که به‌واسطه افزایش مخارج تحقیق و توسعه، زمینه برای شکل‌گیری فعالیت‌های نوآورانه، کارآفرینی و فن‌آوری‌های جدید فراهم می‌شود

و این امر نیز سبب ایجاد تنوع سرمایه‌گذاری و توان تولیدی بیشتر می‌شود و از این طریق، بهره‌وری سرمایه را ارتقا می‌دهد.

شاخص درجه بازبودن اقتصاد بر بهره‌وری سرمایه تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنی‌دار است (تأیید فرضیه ۹). ضریب این متغیر معادل ۰/۲۹ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در درجه بازبودن اقتصاد، بهره‌وری سرمایه معادل ۰/۲۹ درصد افزایش می‌یابد. سیاست‌های مربوط به بازبودن اقتصاد یا آزادسازی اقتصادی، از طریق ایجاد رقابت بین بنگاه‌ها، کارایی اقتصادی را در کل اقتصاد افزایش داده و سبب تخصیص بهینه نهاده سرمایه در بخش‌های مختلف تولیدی نیز می‌گردد و از این طریق، زمینه‌های افزایش بهره‌وری سرمایه را فراهم می‌سازد.

تسهیلات بانکی تأثیر مثبتی بر بهره‌وری سرمایه دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تأیید فرضیه ۱۰). ضریب این متغیر معادل ۰/۷۸ است که بیانگر این امر است که به‌واسطه یک درصد افزایش در تسهیلات بانکی، بهره‌وری سرمایه معادل ۰/۷۸ درصد افزایش می‌یابد. با افزایش اعطای تسهیلات بانکی، زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری شکل می‌گیرد و مشکلات مربوط به تنگناهای تولیدی مرتبط با دستگاه‌ها و ماشین‌آلات فن‌آورانه و مدرن تا حدی تقلیل می‌یابد و همین امر، حجم تولیدات را افزایش می‌دهد و به ارتقای بهره‌وری سرمایه منجر می‌گردد.

براساس مقادیر ضرایب تعیین (R2 و R2 تعدیل شده) نیز می‌توان ادعان داشت که متغیرهای حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تحقیق و توسعه، درجه بازبودن اقتصاد و تسهیلات بانکی توانسته‌اند معادل ۰/۹۹۷ و ۰/۹۹۲، تغییرات متغیر بهره‌وری سرمایه را توجیه کنند. براین اساس مدل برازش شده، دارای قدرت توضیح‌دهندگی بالایی است. براساس میزان آماره دوربین واتسون (DW) که معادل ۲/۱۶ است، در مدل مربوطه مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف پژوهش حاضر، تعیین تأثیر شاخص‌های عوامل سیاسی (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر مؤلفه‌های بهره‌وری (بهره‌وری کل عوامل تولید، بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری سرمایه) در پانزده کشور منتخب درحال توسعه طی بازه زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ بود که برای نیل به این مقصود، از تکنیک اقتصادسنجی پانل دیتا با رویکرد حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) استفاده شد.

متغیرهای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تحقیق و توسعه، درجه بازبودن اقتصاد و تسهیلات بانکی نیز به عنوان متغیرهای کنترل در مدل‌ها وارد شدند. نتایج برآوردها حاکی از آن است که در کشورهای مورد مطالعه، تمامی شاخص‌های عوامل سیاسی تأثیر مثبتی بر مؤلفه‌های بهره‌وری داشتند. در ارتباط با متغیرهای کنترل نیز شاهد روابط مثبتی طی دوره زمانی مورد بررسی هستیم. لازم به ذکر است که نتایج مطالعه حاضر، با نتایج تمامی مطالعات خارجی همخوانی داشت؛ چراکه در مطالعات فوق نیز، عوامل نهادی تأثیر مثبتی بر بهره‌وری داشتند. در ارتباط با مطالعات داخلی نیز نتیجه مطالعه حاضر با نتایج مطالعات تقفی (۱۳۹۴) و رضائی (۱۳۹۱)، کاملاً همخوانی داشت و با نتیجه مطالعه یوسفی و مبارک (۱۳۹۱)، نیز در تضاد بود؛ چراکه در مطالعه فوق، عوامل نهادی دارای تأثیر منفی بر بهره‌وری کل عوامل تولید بود. همچنین نتیجه مطالعه حاضر با نتیجه مطالعه چهارزی مدرسه و جلائی (۱۳۹۵)، تاحدی همخوانی داشت؛ چراکه در مطالعه فوق، شاخص‌های کنترل فساد، کارایی و اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و عدم خشونت و حق اظهارنظر و پاسخگویی بر بهره‌وری اثر مثبتی داشتند، درحالی‌که در بلندمدت، تأثیر شاخص‌های حاکمیت قانون و کیفیت مقررات بر بهره‌وری کل عوامل تولید، منفی بود. حال باتوجه به نتایج به دست آمده، پیشنهادهای سیاست‌گذارانه نیز به شرح زیر گزارش می‌شوند:

- باتوجه به تأثیرات مثبت شاخص‌های عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری، دولت‌های جوامع درحال توسعه ضمن شناخت دقیق ساختارهای سیاسی، باید توجه ویژه‌ای به نقش

مؤلفه‌های عوامل سیاسی و برقراری ثبات سیاسی بیشتر داشته باشند تا از این طریق بتوانند زمینه‌های ارتقای هرچه بیشتر مؤلفه‌های بهره‌وری را فراهم سازند. براین اساس، پیشنهادها به تفکیک کلیه مؤلفه‌های عوامل سیاسی نیز به شرح زیر بیان شدند است:

۱. در جهت عملکرد هرچه بیشتر شاخص حق اعتراض و پاسخگویی، تقویت مردم‌سالاری و الویت‌بخشی به نظر اکثریت و توجه به خواسته‌های همگانی جامعه و تقویت نهادهای دموکراتیک، ضروری به نظر می‌رسد.

۲. برای ایجاد زمینه‌های بیشتر برای شکل‌گیری ثبات سیاسی بدون خشونت، توجه بیشتر به آرا و دیدگاه‌های اقلیت‌های سیاسی، قومی و مذهبی و پرهیز از هرگونه ایجاد تنش‌های سیاسی، می‌تواند ریسک سقوط و نابودی دولت را در جوامع فوق‌تاحد زیادی کاهش دهد و در جهت ایجاد و گسترش فضاهای سیاسی باثبات در جامعه مؤثر واقع گردد.

۳. برای اثربخشی هرچه بیشتر دولت، حذف نقش تصدی‌گری دولت و محدود کردن وظایف دولت به ایفای وظایف حاکمیتی با هدف حفظ و بهره‌برداری بهینه از منابع برای تولید مولد و پایدار، می‌تواند با افزایش کارایی دولت و تقویت حقوق مالکیت، نقش شایان توجهی را در ارتقای مؤلفه‌های بهره‌وری ایفا کند. براین اساس، بهتر است که دولت‌های جوامع مورد بررسی، فعالیت‌های اقتصادی بیشتری را به کارگزاران و بنگاه‌های ویژه اقتصادی بسپارند و به‌طور غیرمستقیم و هوشمندانه، عملکرد بخش‌های اقتصادی را مدیریت کنند.

۴. تدوین قوانین و مقررات مناسب‌تر با ساختار جوامع فوق و حذف قوانین دست و پاگیر به‌ویژه در زمینه قوانین اجرایی، می‌تواند به عملکرد هرچه بیشتر مقررات (کیفیت مقررات) منجر گردد.

۵. برای ارتقای سطح شاخص حاکمیت قانون، لازم است سیاست‌هایی در جهت گسترش دستگاه‌های قضایی مستقل، پیش‌بینی‌پذیر و کارآمد، برقراری ثبات بیشتر در برنامه‌ها و اهداف طراحی شده دولت، ایجاد ساز و کارهای نوآورانه مانند روش‌های نوین برای حل منازعات، حفاظت بیشتر از حقوق مالکیت و نظارت‌های کاراتر بر حسن اجرای قراردادها صورت گیرد.

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبیچی اکبری و همکاران) ۳۴۳

۶. برای کنترل هرچه بیشتر فساد نیز سه راهکار عمده افزایش نظارت بر کارگزاران دولتی متصدی خدمات، شفاف‌سازی فرآیندهای اداری و کاهش شدت قوانین و مقررات به شکل جامع، پیشنهاد می‌شود.

- باتوجه به تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بر مؤلفه‌های بهره‌وری، بایسته است که دولت‌های جوامع درحال توسعه از طریق عواملی همچون گسترش زیرساخت‌های زمینه‌های جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد بسترهای هرچه بیشتر جذب انواع سرمایه‌های خارجی، فراهم‌کردن زمینه‌های افزایش امنیت سرمایه‌گذاری، تشویق و حمایت هرچه بیشتر از سرمایه‌گذار خارجی، زمینه‌های لازم را برای جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی فراهم سازند.

- باتوجه به تأثیر مثبت شاخص تحقیق و توسعه بر مؤلفه‌های بهره‌وری، برای دستیابی به سطوح بالاتر بهره‌وری، لازم است که در بخش هزینه‌های تحقیق و توسعه به‌ویژه در بعد هزینه‌های آموزش عالی، سرمایه‌گذاری‌های بیشتری صورت گیرد. براین اساس، ضروری است که دولت‌های جوامع مورد بررسی، سهم بیشتری از منابع درآمدی خود را به تحقیق و توسعه و ایجاد انگیزه برای پژوهشگران در بخش‌های مختلف اقتصادی اختصاص دهند.

- باتوجه به تأثیر مثبت شاخص درجه بازبودن اقتصاد بر مؤلفه‌های بهره‌وری، ارتقای هرچه بیشتر درجه بازبودن اقتصاد (آزادسازی اقتصادی) برای تسهیل روند حرکت مؤلفه‌های بهره‌وری توصیه می‌گردد، که برای نیل به این مقصود، پیشنهاد می‌شود که جوامع مذکور، راهبرد برون‌گرایی را در تجارت خود اتخاذ کرده و شرایط را برای تجارت مبتنی بر صادرات، تسهیل کنند. در این راستا، حذف و یا کاهش موانع تجاری در تعمیق راهبرد برون‌گرایی، بسیار موثر خواهد بود.

- باتوجه به تأثیر مثبت تسهیلات بانکی بر مؤلفه‌های بهره‌وری، توصیه می‌گردد اعطای تسهیلات بانکی بیشتر از طریق گسترش هرچه بیشتر نظام بانکی و نظارت در مورد نحوه توزیع اعتبارات بانکی، البته با لحاظ کردن الویت‌بندی طرح‌ها، در جهت تزریق مناسب نقدینگی صورت گیرد که امر نیازمند اعمال نظرات کارشناسان مالی است.

سپاسگزاری

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند که از زحمات سردبیر محترم نشریه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل و داوران محترم مقاله، به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند، سپاسگزاری نمایند. همچنین از آنجائی که این مقاله مستخرج از رساله لاله طبقچی اکبری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه است، لذا مراتب تشکر صمیمانه خود را از گروه اقتصاد و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه اعلام می‌نماییم.

منابع

- آهنگر، عبدالمجید و رضائی، روح‌اله (۱۳۹۰). «بررسی رابطه علی بین دموکراسی و رشد اقتصادی: با استفاده از داده‌های ترکیبی». *مجله‌سازی اقتصادی*، ۵(۱۳): ۴۷-۶۵.
- پاداش‌زیوه، حمید و خداپناه، بهمن (۱۳۹۴). «برآورد تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر اقتصاد دانش‌بنیان در کشورهای منتخب». *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲۰(۳): ۱۶۵-۱۸۷.
- تقوی، میر مهدی (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر شاخص توسعه انسانی بر بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد، تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی.
- تقفی، پویا (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر عوامل نهادی بر بهره‌وری کل عوامل تولید در کشورهای منتخب در حال توسعه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد، تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی.
- چهرازی مدرسه، سرور و جلائی، سیدعبدالمجید (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر بهره‌وری کل عوامل تولید در ایران». *دومین همایش بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و توسعه*. تهران: مؤسسه علمی کیان پژوهان.
- رضائی، ابراهیم (۱۳۹۱). «تحلیل اثرات عوامل نهادی بر رشد بهره‌وری کل عوامل در اقتصاد ایران با استفاده از مدل فضا حالت». *تحقیقات ماکروسازی اقتصادی*، ۲(۶): ۴۳-۶۰.
- شریف‌آزاده، محمدرضا و حسین‌زاده بحرینی، محمد حسین (۱۳۸۲). «تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۵۸-۱۳۷۹)». *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۴(۳۸): ۱۵۹-۱۹۲.
- قبادی، سارا، مظفری شمس، هاجر و فرامرز، فردیس (۱۳۹۸). «تحلیل اثرات عوامل نهادی بر سرمایه‌گذاری در کشورهای منتخب عضو اوپک». *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، ۱۴(۲۷): ۱۳-۳۹.

تأثیر عوامل سیاسی بر مؤلفه‌های بهره‌وری در کشورهای منتخب درحال ... (لاله طبقچی اکبری و همکاران) ۳۴۵

کریمی، محمدشریف، حیدریان، مریم و دورباش، معصومه (۱۳۹۶). «بررسی ارتباط و تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در ایران با رویکرد تصحیح خطای برداری». *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۶(۱): ۱۲۷-۱۵۵.

منجذب، محمدرضا و نصرتی، رضا (۱۳۹۷). *مدل‌های اقتصادسنجی پیشرفته همراه با ایویوز و استاتاستیک*. تهران: موسسه کتاب مهربان نشر.

یوسفی، محمد قلی و مبارک، اصغر (۱۳۹۱). «بررسی عوامل تعیین‌کننده بهره‌وری در صنایع کارخانه‌ای ایران». *مطالعات مدیریت صنعتی*، ۹(۲۴): ۳۳-۴۳.

References

- Abdullahi, D. (2013). «Effects of financial liberalization on financial market development and economic performance of the SSA region: An empirical assessment». *Economic Modelling*, 30 (1): 261-273.
- Adeusi, S. O., & Aluko, O. A. (2015). «Relevance of Financial Sector Development on Real Sector Productivity: 21st Century Evidence from Nigerian Industrial Sector». *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 5 (6): 118-132.
- Ahangari, A. M., & Rezaei, R. A. (2011). «Study of Casual Relationship between Democracy and Economic Growth by Using Panel Data». *Economical Modeling*, 5 (13): 47-65. (in Persian)
- Balcerzak, A. P., & Pietrzak, M. B. (2016). «Quality of Institutions and Total Factor Productivity in the European Union». *Statistics in Transition*, 17 (3), pp: 497-514.
- Bayyurt, N., Vildan Serin, Z., & Eban Arıkan, F. (2015). «Good Governance and Agricultural Efficiency». *Journal of Social and Development Sciences*, 6 (1): 14-23.
- Castelnuovo, P., Chiara, F. D. B., & Massimo, F. (2019). «Quality of Institutions and Productivity of State-Invested Enterprises: International Evidence from Major Telecom Companies». *European Journal of Political Economy*, 1 (58): 102-117.
- Chehrrazi Madraseh, S., & Jalaei, S. A. M. (2016). «The Effect of Good Governance on Total Factor Productivity in Iran». Second International Conference on Management, Economics and Development, Tehran: Kian Pajouhan Scientific Institute. (in Persian)
- Cheona, S., Dowallb, D. E., & Songc, D. W. (2010). «Evaluating Impacts of Institutional Reforms on Port Efficiency Changes: Ownership, Corporate Structure, and Total Factor Productivity Changes of World Container Ports». *Transportation Research Part E: Logistics and Transportation Review*, 46 (4): 546-561.
- Foster, N.; Pöschl, J.; & Stehrer, S. (2012). «Manufacturing Productivity: Effects of Institutions and Service Sector Innovations». *The Vienna Institute for International Economic Studies*, 3 (1): 1-16.
- Ghobadi, S.; Mozaffari Shamsi, H., & Faramarzi, F. (2019). «The Analysis of the Effects of Institutional Factors on the Investment in Selected OPEC-Member Countries». *Macroeconomics Research Letter*, 14 (27): 13-39. (in Persian)
- Karimi, M. Sh.; Heidarian, M. & Dourbash, M. (2017). «Studying the Effects of Good Governance Indicators on Economic Growth in Iran; Vector Error Correction Approach». *Economic & Developmental Sociology*, 6 (1): 127-155. (in Persian)
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2010). «The Worldwide Governance Indicators: A Summary of Methodology, Data and Analytical Issues». *World Bank Policy Research Working Paper*, 1 (5430): 1-28.
- Larrain, M. & Stumpner, S. (2017). «Capital Account Liberalization and Aggregate Productivity: The Role of Firm Capital Allocation». *The Journal of Finance*, 72 (4): 1-34.

- Masron, T. A. (2013). «Promoting Intra-ASEAN FDI: The Role of AFTA and AIA». *Economic Modelling*, 31 (1): 43-48.
- Monjazebe, M. R. & Nosrati, R. (2018). *Advanced econometrics Models Using Eviews and Stata*. Tehran: Mehraban Publication, (in Persian).
- Neupane, E. (2013). «Efficiency and Productivity of Commercial Banks in Nepal: A Malmquist Index Approach». *Asian Journal of Finance & Accounting*, 5 (2): 220-243.
- Padash Zive H. & Khodapanah, B. (2015). «An Estimation of the Impact of Good Governance Indicators on Knowledge-based Economy in Selected Countries». *The Journal of Planning and Budgeting*, 20 (3): 165-187. (in Persian)
- Penn World Table. (2020). Retrieved from <<http://www.ggdc.net/pwt/>>
- Procházká, P., & Čermáková, K. (2015). «Influence of Selected Institutional Factors on the Economic Growth: Case Open Markets». *Procedia Economics and Finance*, 30 (1): 702-709.
- Rezaei, E. (2012). «Looking at the Effects of Institutional Factors on TFP Growth In Iranian Economy: A State Space Model». *The Journal of Economic Modeling Research*, 2 (6): 43-60. (in Persian).
- Saghafi, P. (2015). *The Effect of Institutional Factors on Total Factor Productivity in Selected Developing Countries*. Master Thesis, Tabriz: Islamic Azad University. (in Persian)
- Sharif Azadeh, M. R., & Hosseinzadeh Bahraini, M. H. (2003). «The Impact of Economic Security Indices on Private Investment in Iran (1981-2000)». *The Journal of Economic Studies and Policies*, 4 (38): 159-192. (in Persian)
- Taghavi, M. M. (2015). *The Effect of Human Development Index on Total Factor Productivity in Iran*. Master Thesis, Tabriz: Islamic Azad University. (in Persian)
- Tavares J. (2009). «Economic Integration and the Gomovement of Stock Returns». *Economics Letters*, 103 (2): 65-67.
- World Bank. (2020). The Worldwide Governance Indicators. Retrieved from <<http://info.worldbank.org/governance/wgi/>>
- World Bank. (2020). World Development Indicators. Retrieved from <<http://www.worldbank.org/data/online-databases.html>>
- Yousefi, M. Gh., & Mobarak, A. (2012). «Studying the Determinants of Productivity in Iranian Manufacturing Industries». *Industrial Management Studies*, 9 (24): 23-43. (in Persian)